

رژیم اسرائیل چگونه جذب مهاجر می‌کند؟

سیدعلی نجات^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۵

چکیده

۴۱

مهاجرت یهودیان به اسرائیل، سنگ بنای اندیشه صهیونیسم بوده و عامل اساسی ادامه موجودیت اسرائیل، باقی ماندن جمعیت یهود در آن است. بنابراین، کاهش میانگین مهاجرت به داخل سرزمین‌های اشغالی و در کنار آن، افزایش روند مهاجرت معکوس، زنگ خطر را برای این رژیم به صدا درآورده است. از همین رو، رژیم صهیونیستی تلاش کرده است علاوه بر حفظ جمعیت موجود و جلوگیری از مهاجرت آنها، یهودیان سایر مناطق جهان را نیز با شگردها و تاکتیک‌های خاص به فلسطین اشغالی بکشاند. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی تاکتیک‌ها و شگردهای اسرائیل به منظور جذب مهاجران و جلوگیری از مهاجرت معکوس است. در این میان، پرسش اصلی نوشتار این است که مهمترین تاکتیک‌های اسرائیل برای جذب مهاجران و جلوگیری از مهاجرت معکوس چیست؟ فرضیه نوشتار این است که مهمترین سیاست اسرائیل برای جذب مهاجران و جلوگیری از مهاجرت معکوس، بهره‌برداری از بحران‌های داخلی کشورهای مختلف جهان از طریق ایجاد رعب و وحشت در میان یهودیان ساکن در این کشورهاست تا از این طریق بتواند از مهاجرت معکوس از اسرائیل جلوگیری و یهودیان کشورهای دیگر را وادار به مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی کند.

واژگان کلیدی: اسرائیل، امنیت، بحران، جمعیت، مهاجرت معکوس.

sa.nejat@yahoo.com

۱. پژوهشگر مهمان مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل‌شناسی-آمریکاشناسی، سال نوزدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

از نظر علم سیاست، هر واحد سیاسی از چهار عنصر اساسی تشکیل می‌شود. این عناصر عبارتند از: سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت؛ به عبارت دیگر، دولت به مردمی معین اطلاق می‌شود که در محدوده‌ای خاص از کره زمین دارای حکومت بوده و از حاکمیت برخوردارند (قوام، ۱۳۸۱: ۲۴). در این میان، جمعیت یکی از مولفه‌ها و عوامل عمده قدرت ملی یک کشور است؛ این امر برای دولتی همانند اسرائیل یک عامل حیاتی به‌شمار می‌رود؛ زیرا بدون جمعیت قادر به اجرا و پیشبرد سیاست‌ها و اهداف خود از جمله توسعه سرزمینی، شهرک‌سازی و اشغال هر چه بیشتر مناطق فلسطینی نخواهد بود.

در بیانیه تاسیس دولت اسرائیل آمده است که: «دولت اسرائیل درهای مهاجرت یهودیان را خواهد گشود تا همه تبعیدیان گردهم آیند. ملت یهود در سراسر جهان باید خود را برای زندگی در کنار هم‌کیشان خود و کمک به آنها در مسئولیت مهاجرت و سازندگی آماده کنند تا آرزوی همیشگی یعنی، رهایی اسرائیل، تحقق یابد.» در حقیقت، یکی از اهداف مهم صهیونیست‌ها از ابتدای طرح شعار تشکیل دولت یهود در سرزمین فلسطین، جذب یهودیان سراسر دنیا و تشویق هر چه بیشتر آنان به مهاجرت و اسکان در این منطقه بوده است تا بدین طریق توازن جمعیت یهودی نسبت به اعراب و فلسطینیان را به نفع خود تغییر دهند.

اندیشمندان یهود همواره مشکل مهاجرت یهودیان به فلسطین را پس از مسئله امنیت، دومین مشکل می‌دانند و معتقدند با حل مشکل مهاجرت، مشکل امنیت نیز حل خواهد شد. به عبارت دیگر، آینده دولت صهیونیسم وابسته به مهاجرت یهودیان به این سرزمین است. لذا سران صهیونیست از تمام هم‌کیشان خود در سراسر جهان دعوت کرده‌اند برای یاری آنان به سرزمین موعود بشتابند. در همین پیوند دیوید بن گوریون می‌گوید: «پیروزی نهایی اسرائیل با مهاجرت انبوه یهودیان به فلسطین تحقق می‌یابد و بقای آن نیز وابسته به این مهاجرت‌هاست.» آریل شارون نیز در این باره می‌گوید: «مهاجرت هدف اساسی دولت اسرائیل است. دولت اسرائیل آماده پذیرش مهاجرت و تشکیل مرکزی معنوی و ملی برای همه یهودیان جهان و جذب سالانه ده‌ها

هزار مهاجر است.» (مشایخی، ۱۳۸۹: ۲۵۱).

در این میان، جنبش صهیونیستی همان‌گونه که با استفاده از تعبیر مذهبی، مهاجرت یهودیان به اسرائیل را بارزش می‌داند، مهاجرت معکوس را نیز با کلماتی با بار منفی در دین یهود توصیف می‌کند. آنها این مهاجرت معکوس را «بریداء» به معنی سقوط و بازگشت می‌نامند و کسانی که به این صورت از اسرائیل به کشوری دیگر مهاجرت می‌کنند را «فالیوودم» به معنی مرتدان و سقوط‌کنندگان می‌نامند و یهودیانی که قلمرو اسرائیل را به عنوان مقصد موقت به قصد مهاجرت بعدی به کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند «نیشرا» یعنی در راه ماندگان می‌نامند (مازی، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۳). به هر ترتیب، مهاجرت یهودیان به اسرائیل، سنگ بنای اندیشه صهیونیسم بوده و عامل اساسی ادامه موجودیت اسرائیل، باقی ماندن جمعیت یهود در آن است. از همین‌رو، رژیم صهیونیستی تلاش کرده است علاوه بر حفظ جمعیت موجود، یهودیان سایر مناطق جهان را نیز با ترغیب و فریب به فلسطین اشغالی بکشاند. در همین راستا، نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که مهمترین تاکتیک‌های اسرائیل برای جذب مهاجران و جلوگیری از مهاجرت معکوس چیست؟ فرضیه نوشتار این است که مهمترین سیاست اسرائیل برای جذب مهاجران و جلوگیری از مهاجرت معکوس، بهره‌برداری از بحران‌های داخلی کشورهای مختلف جهان از طریق ایجاد رعب و وحشت در میان یهودیان ساکن در این کشورهاست تا از این طریق بتواند از مهاجرت معکوس از اسرائیل جلوگیری و یهودیان کشورهای دیگر را وادار به مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی کند.

یک. عشاق صهیون و جنبش بیلو و مسئله بازگشت به ارض موعود

اوضاع و احوال سیاسی اواخر قرن ۱۹ میلادی، زمینه ظهور شخصیت‌های یهودی طرفدار اندیشه استعماری بازگشت به ارض موعود (فلسطین) و جنبش صهیونیستی را فراهم ساخت. در دهه ۱۸۸۰ میلادی، طرفداران نهضت «عشاق صهیون» و سپس «جنبش بیلو» مسئله بازگشت یهودیان به فلسطین را رسماً مطرح کردند. پس از چندی نیز «تئودور هرتصل» با نوشتن کتاب «دولت یهود» و گرد آوردن شخصیت‌های

صهیونیست، زمینه برپایی کنفرانس بال را در ۱۸۹۷، فراهم ساخت.

به‌طور کلی دو گروه عمده صهیونیست در دهه ۱۸۸۰ در اروپا و به‌ویژه در روسیه به‌وجود آمد که محرکات اصلی یهودیان برای بازگشت به فلسطین قبل از آغاز فعالیت‌های هرتصل و تشکیل کنفرانس بال بودند. اولین گروه، جنبش دوستداران یا عشاق صهیون بود که برای اولین بار در سال ۱۸۸۲ در روسیه به‌وجود آمد و شعار «به‌سوی فلسطین» را برای خود انتخاب کرد. این نهضت از مهاجرت به فلسطین طرفداری و در این رابطه رنج‌های یهودیان در حکومت تزاری را افشا می‌کرد که به زودی شاخه‌های این نهضت در سراسر روسیه، لهستان، رومانی و انگلستان تاسیس شد. همچنین در کنار این فعالیت‌ها ارگان‌هایی برای خرید زمین در فلسطین به‌وجود آمد (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۱). به هر حال، جنبش عشاق صهیون و شاخه‌های گوناگون آن تا سال ۱۸۹۷، یعنی «کنفرانس بال» به‌طور مستقل و بعد از آن در چارچوب «سازمان جهانی صهیونیست» که رهبری آن را «هرتصل» بر عهده داشت، به فعالیت‌های خود ادامه دادند.

در برابر جنبش عشاق صهیون، نهضت بیلو رنگ و جلای صهیونیستی بیشتری داشت. در واقع جنبش بیلو در طرح بازگشت به فلسطین بیش از عشاق صهیون نقش داشت. در تاریخ جدید اسرائیل نیز صهیونیست‌ها اهمیت خاصی به جنبش بیلو می‌دهند؛ چراکه «اولین مهاجرت» علنی و گسترده یهودیان به فلسطین از سوی طرفداران «بیلو» و به تشویق رهبران آن شکل گرفت. جنبش بیلو در سال‌های اولیه دهه ۱۸۸۰ هم‌زمان با «عشاق صهیون» شروع به رشد کرد و مهد اصلی آن در روسیه بود. کلمه بیلو (Bilu) از کلمات اول جمله عبری «خانه یعقوب، بیا و به آن جا برویم» گرفته شده است. صهیونیست‌ها به طرفداران نهضت بیلو «پیش‌تازان بیلو» لقب داده‌اند. این بدان دلیل است که آن‌ها اولین کسانی بودند که پس از مهاجرت به فلسطین در سال‌های میان (۱۸۸۲-۱۸۸۴) نخستین دهکده‌ها و مستعمره‌های یهودی را به‌وجود آوردند.

اگرچه عشاق صهیون و نهضت بیلو زمینه‌های اصلی رشد صهیونیسم و بارور شدن اندیشه بازگشت به اسرائیل را فراهم ساخت؛ اما بنیان‌گذار و پدر صهیونیسم سیاسی و دولت اسرائیل، تئودور هرتصل به‌شمار می‌آید. در حقیقت، انتشار کتاب دولت یهود

«Jewish state» و تلاش‌های هر متصل که سرانجام به برپایی کنفرانس بال منجر شد، راه را برای ایجاد دولت یهود در فلسطین هموار کرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۷). در اعلامیه چهار ماده‌ای بال، تسریع مستعمره کردن فلسطین توسط یهودیان، گردآوری یهودیان جهان در فلسطین، جلب نظر حکومت عثمانی و کسب رضایت آن برای مستعمره کردن فلسطین مورد تاکید قرار گرفت.

دو. دوره‌های مختلف مهاجرت یهودیان به اسرائیل

۴۵

«مهاجرت» ریشه در سنت دینی یهودیان دارد؛ به طوری که در متون دینی یهود واژه «Aliyah» آمده که بیان‌گر ایده «رجعت یهودیان به ارض موعود» می‌باشد. بدین ترتیب «مهاجرت» به‌عنوان یک سیاست عملی دارای ریشه عقیدتی در جامعه یهودی می‌باشد و صهیونیسم از این بستر مناسب برای تحقق آرمان‌های سیاسی خود بهره می‌جوید. در کنار این عامل می‌توان به اوضاع جهانی در نیمه دوم قرن ۱۹ اشاره کرد. در این زمان، نیمی از یهودیان در اروپای شرقی و روسیه تزاری به سر می‌بردند که از وضع چندان خوبی برخوردار نبودند. حرکت‌های ضد یهودی در دهه ۱۸۸۰، روسیه و دیگر ممالک اروپای شرقی، موج مهاجرت یهودیان را فزونی می‌بخشد و از این زمان است که ادوار مختلف مهاجرتی آغاز می‌شود.

دوره اول (۱۸۸۲-۱۹۰۳)

در طول دوران حکومت امپراتوری عثمانی اعراب اکثریت مطلق در سرزمین فلسطین را تشکیل می‌دادند. از پایان قرن نوزدهم و تحت تاثیر اندیشه ناسیونالیسم جهانی، جنبش صهیونیسم تکامل یافت و یهودیان سرزمین‌های مختلف شروع به مهاجرت به فلسطین کردند. در سال ۱۸۸۰ میلادی، جمعیت یهودیان ساکن در فلسطین بسیار اندک بود؛ ۲۲ هزار یهودی در مقابل ۴۰۰ هزار نفر عرب‌زبان؛ اما در اواخر دهه ۸۰ قرن نوزدهم، به دلیل تقاضای گسترده یهودیان برای مهاجرت به فلسطین، سلطان عثمانی دستور منع «مهاجرت گروهی» را صادر کرد و تنها به افراد اجازه مهاجرت داده شد و اکثر یهودیان تا قبل از کنگره بال به صورت غیر قانونی به فلسطین می‌آمدند. در این مرحله نزدیک به ۲۵ هزار یهودی از اروپای شرقی به فلسطین مهاجرت می‌کنند که

به نوبه خود موفق به تاسیس ۲۰ روستای یهودی نشین «موشاوا» می‌شوند و بدین وسیله سنگ بنای ایجاد یک جامعه یهودی را می‌گذارند. اگرچه «موشاوا»ها بعداً مورد انتقاد قرار گرفته و اعتبار خود را از دست می‌دهند، لیکن این امر نمی‌تواند اهمیت این روستاها، به‌عنوان اولین اقدام‌های عملی در جهت تاسیس جامعه یهودی را از بین ببرد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۶).

دوره دوم (۱۹۰۴-۱۹۱۴)

در این دوره، حدوداً ۴۰ هزار یهودی دیگر وارد فلسطین می‌شوند و نقطه عطفی در تاریخ فلسطین پدید می‌آورند. این یهودیان نیز همانند مهاجران سابق بیشتر از روسیه تزاری و اروپای شرقی بودند که موسس کیبوتزها و متعاقب آن «موشاوا»ها می‌باشند. مهاجران دوره دوم از آنجا که اکثراً از کارگران ساده و دانشجویان تنگ‌دست تشکیل می‌شدند، نسبت به آرمان «عدالت اجتماعی» از خود حساسیت بسیاری نشان می‌دادند و تمایل آنها به مدل‌های اقتصادی فوق‌الذکر از همین نشأت می‌گیرد. عشق به احیای «هویت یهودی»، از ویژگی‌های عمده دیگر این گروه بود که در تلاش ایشان برای ایجاد یک طبقه از کشاورزان که برای خود زمین زراعی داشته باشند، متجلی می‌گردد. ایده ایجاد «جامعه‌ای عادلانه» به‌عنوان یک الگوی جهانی از آرمان‌های دیگر همین مهاجران می‌باشد که به صورت دعوی رسمی اسراییل نیز درآمده است.

دوره سوم (۱۹۱۹-۱۹۲۳)

موج سوم مهاجرتی تحت تاثیر اعلامیه بالفور شکل می‌گیرد و با ورود ۳۵ هزار یهودی دیگر به فلسطین همراه است. مهاجران این دوره اساساً از عناصری پیشتاز و با پیشینه‌ای اروپایی ترکیب یافته بود که آمادگی پذیرش هرگونه مسئولیتی در چارچوب اهداف سیاسی صهیونیسم را دارا بودند. وجود همین ویژگی است که بعداً امکان تاسیس «هیستادروت» را فراهم آورد. در جریان جنگ جهانی اول ارتش بریتانیا این سرزمین را اشغال کرد و در سال ۱۹۲۲، یعنی پس از اعمال قیمومیت انگلیس بر فلسطین، برای اولین بار به صورت رسمی سرشماری جمعیت در این منطقه صورت گرفت. بر اساس این سرشماری، جمعیت فلسطین در آن زمان حدود ۷۰۰ هزار نفر بود، در این میان جمعیت یهودیان ساکن فلسطین حدود ۷۰ هزار نفر بود. به تعبیر

دیگر، ۹۰ درصد جمعیت فلسطین را اعراب و حدود ۱۰ درصد دیگر را یهودیان تشکیل می‌دادند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۶).

دوره چهارم (۱۹۲۴-۱۹۲۸)

با ورود بیش از ۶۷ هزار یهودی دیگر از کشورهای اروپایی و عمدتاً لهستان، چهارمین موج مهاجرتی یهودیان شکل می‌گیرد. این یهودیان از طبقه متوسط بودند و برای همین مشاهده می‌شود که بیشتر در شهرهای مختلف فلسطین سکونت می‌گزینند و به مشاغلی همچون کار در کارخانجات و یا ایجاد فروشگاه‌های کوچک می‌پردازند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۶).

دوره پنجم (۱۹۲۸-۱۹۳۹)

این دهه شاهد وقوع بزرگ‌ترین موج مهاجرتی یهودیان می‌باشد که حدود ۲۵۰ هزار یهودی را در بر می‌گیرد. ظهور نازیسم و جنایت‌های هولناک هیتلر به مهاجرت یهودیان شدتی غیر قابل تصور می‌بخشد که به نفع صهیونیست‌ها تمام می‌شود. این مهاجران عموماً از اروپای مرکزی به‌ویژه آلمان بودند که دارای مهارت کافی و سرمایه قابل توجهی بودند. متعاقب این مهاجرت شاهد بروز یک تغییر جدی در ترکیب جمعیتی جامعه فلسطین می‌باشیم، بدین صورت که درصد یهودیان در فلسطین از ۱۷ درصد (به سال ۱۹۳۱) به ۲۲ درصد (به سال ۱۹۴۰) افزایش می‌یابد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۷).

دوره ششم (۱۹۴۰-۱۹۴۸)

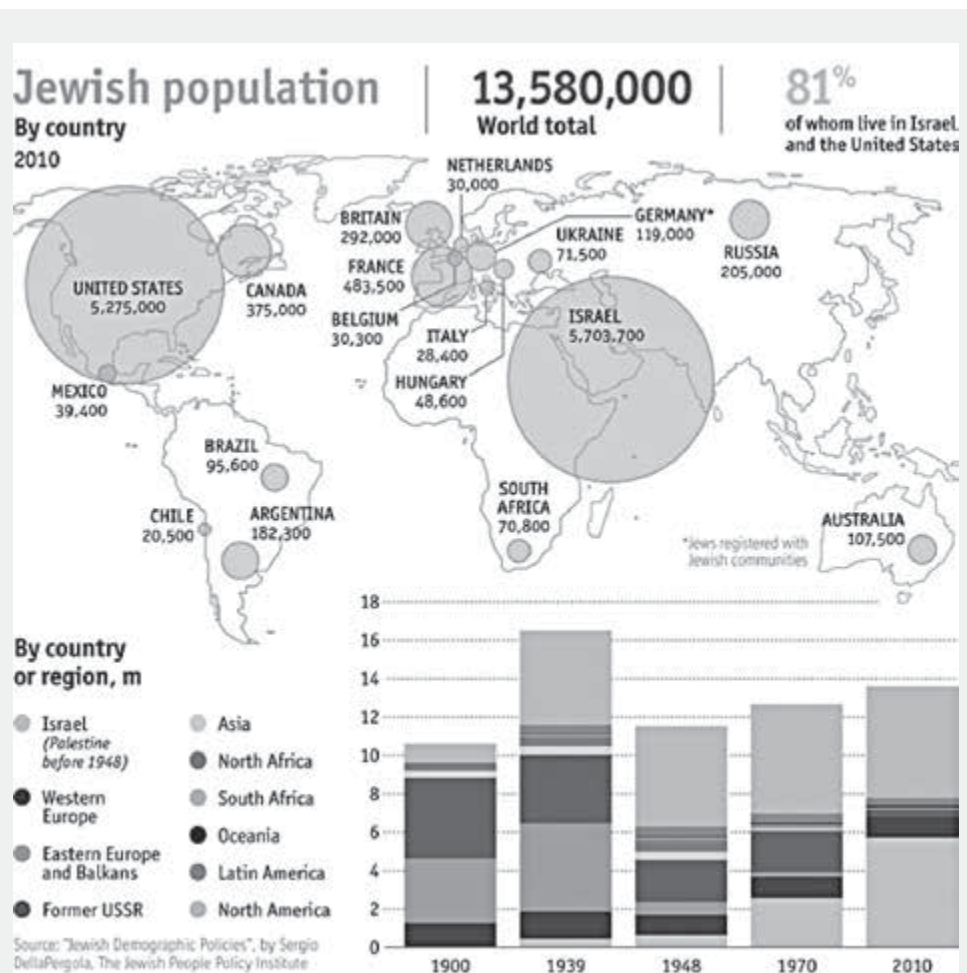
در فاصله زمانی بین جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۴۸ اگرچه به علت سیاست‌های کنترلی انگلستان بر روی مهاجرت‌ها و بروز تعارضاتی بین اعراب و یهودیان در خصوص این موضوع، روند ورود یهودیان عملاً متوقف می‌گردد، لیکن با وقوع جنگ جهانی دوم اوضاع تغییر کرده و موج مهاجرت‌ها دوباره از سر گرفته می‌شود. در نتیجه این سیاست جمعیت فلسطین در ماه مه ۱۹۴۸ به ۲۰۶۵۰۰۰ نفر می‌رسد که ۶۵۰ هزار نفر آن را یهودیان تشکیل می‌دادند (تقریباً ۳۱ درصد). در ماه نوامبر همین سال مشاهده می‌شود که در پی اخراج و فرار بیش از ۶۵۰ هزار نفر عرب از مرزهای فلسطین و ورود بیش از یکصد هزار نفر دیگر از یهودیان، درصد حضور یهودیان در ساختار جمعیتی فلسطین به ۸۲ درصد می‌رسد که به معنای قرار گرفتن یهودیان در مقام «گروه غالب» در جامعه

فلسطینی است. روند مهاجرت به اسرائیل از این سال به بعد همچنان ادامه می‌یابد و در مجموع به حفظ وضعیت فوق و تقویت آن به نفع یهودیان در فلسطین، منجر می‌گردد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۷).

دوره هفتم (۱۹۴۸ تا کنون)

پس از تشکیل دولت اسرائیل، تلاش برای جذب مهاجران یهودی در کشورهای مختلف دنیا بیشتر شد. وقوع جنگ‌های چهار گانه، باعث شد دولت اسرائیل ضرورت حضور بیش‌تر یهودیان را احساس کند. در این مقطع بود که کنست دو قانون مهم، یعنی قانون بازگشت در آوریل ۱۹۵۰ و قانون تابعیت را در آوریل ۱۹۵۲ به‌منظور فراهم کردن زمینه مهاجرت یهودیان تصویب کرد. در این مرحله مهاجرت یهودیان منحصر به کشورهای اروپایی نشد؛ بلکه سازمان‌های یهودی، یهودیان را با شیوه‌های مختلف از کشورهای منطقه خاورمیانه، به اسرائیل مهاجرت می‌دادند. به‌طور کلی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۲، ۱۲۹ هزار و ۲۹۹ یهودی از عراق، ۴ هزار و ۵۰۰ نفر از سوریه، ۶ هزار نفر از لبنان، ۵ هزار و ۶۰۰ نفر از تونس، ۵۰ هزار و ۵۵۲ نفر از یمن، ۸۹ هزار و ۵۲۵ نفر از مصر، ۳۶ هزار و ۶۶۶ نفر از لیبی، ۱۴ هزار نفر از الجزایر، و ۲۶۰ هزار نفر از مراکش به اسرائیل منتقل شدند (سروش‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

به هر ترتیب، اسرائیل را می‌توان «سرزمین مهاجران» نامید؛ چون در حال حاضر، ۴۰ درصد جمعیت آن را افرادی تشکیل می‌دهند که خارج از آن به دنیا آمده‌اند. در سال‌های اولیه تشکیل اسرائیل، این درصد بیش‌تر بود. بنابراین، جایگاه مهاجرت در اسرائیل با سایر کشورها متفاوت است. مقامات یهود در مورد ضرورت مهاجرت، اظهارات زیادی دارند. بن‌گوریون گفته است: «مهاجرت بیش از هر عامل دیگری امنیت دولت را حفظ می‌کند.» شیمون پرز نیز گفته است: «مهاجرت به ارتش کمک می‌کند تا سلطه و حاکمیت خود را بر کشور و حتی منطقه فرض کند.» (سروش‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۰۹).



نمودار ۱- مهاجرت یهودیان به اسرائیل از سال ۱۹۰۰ تا سال ۲۰۱۰

سه. کاهش مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی و آغاز مهاجرت معکوس

قبل از اینکه مهاجرت معکوس مسئله صهیونیست‌ها شود، کاهش چشم‌گیر روند مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی ذهن آنان را به خود مشغول کرده بود. دوره زمانی میان سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۰ «دوران طلایی» مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی بود. مهاجرت یهودیان در این برهه به میزان ۶۵ درصد، در افزایش جمعیت صهیونیست‌ها تاثیر داشت. از این تاریخ به بعد به‌دنبال کاهش مشوق‌های مهاجرت و اوضاع بهتر کشورهای محل سکونت یهودیان، میزان مهاجرت آنها به‌خصوص در دهه هفتاد قرن گذشته به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت؛ اما پس از افول دوران اتحاد جماهیر

شوری سابق در آغاز دهه ۹۰ میلادی، اسرائیل توانست بیش از یک میلیون مهاجر یهودی روس را جذب کند و در اراضی اشغالی فلسطین اسکان دهد. به دنبال مهاجرت این تعداد یهودی از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱، میزان مشارکت آنها در افزایش جمعیت یهودیان اسرائیل به ۶۹ درصد رسید و این گونه مهاجران یهودی روس اکثریت یهودیان رژیم صهیونیستی را تشکیل دادند (السہلی، ۱۳۸۵: ۸).

لیکن طی چند سال گذشته، مهاجرت یهودیان به اسرائیل با کاهش شدیدی در مقایسه با دو دهه گذشته مواجه بوده است. اولین نشانه‌های کاهش مهاجرت یهودیان از سال ۲۰۰۱ میلادی شروع شد (عبدالرحمن، ۲۰۱۳: ۹).

آغاز مهاجرت معکوس یهودیان از سرزمین‌های اشغالی نیز، سال ۲۰۰۴ بوده است. در این سال، بیش از ۱۶۵۰۰ نفر سرزمین‌های اشغالی را ترک کردند. بیشتر این افراد پزشکان، مهندسان، متخصصان و دانشمندانی بودند که دنبال فرصت کاری بهتر و پر درآمدتر در کشورهای اروپایی یا آمریکا بودند. در سال ۲۰۰۷، مهاجرت معکوس از اسرائیل، شدت بیشتری پیدا کرد و یهودیان به سوی روسیه، اوکراین و سایر جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق مهاجرت کردند. در همین راستا، وزارت کشور رژیم صهیونیستی در گزارشی اعلام کرد که ۷۷۵ هزار شهروند اسرائیلی در سال ۲۰۰۷ درخواست سلب تابعیت اسرائیلی کردند و آمادگی جدی خود را برای مهاجرت از سرزمین‌های اشغالی اعلام کرده‌اند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی صهیونیستی نشان می‌دهد که میانگین مهاجرت معکوس یهودیان بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ به ۲۰ هزار مهاجر در سال رسیده است (هویدی، ۲۰۱۵).

گزارش‌های اداره سرشماری مرکزی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که میزان مهاجرت به خارج از سرزمین‌های اشغالی از ابتدای سال ۲۰۱۴، ۱۰ درصد در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است، به گونه‌ای که شمار مهاجران به خارج در دو ماه ژانویه و فوریه ۲۰۱۴، به ۵۲۱ هزار نفر رسید، در حالی که در دوره مشابه سال ۲۰۱۳ میلادی، ۴۷۴ هزار تن از فلسطین اشغالی مهاجرت کردند. آمارهای دیگر هم نشان می‌دهد میل مهاجرت در میان اسرائیلی‌هایی که خارج از سرزمین‌های اشغالی

متولد شده‌اند، نیز به شدت بالاست و این افراد که ۴۰ درصد کل جمعیت این رژیم را تشکیل می‌دهند، اغلب ترجیح می‌دهند یا به کشور خود برگردند یا به دیگر کشورهای غربی مهاجرت کنند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۳۹). برای مثال بخش قابل توجهی از جامعه رژیم صهیونیستی را مهاجران روسی تشکیل می‌دهند که پس از فروپاشی شوروی با انگیزه‌های اقتصادی به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند و اکنون به دلایل مختلف از جمله اقتصادی مجدداً در فکر ترک منطقه هستند. این موضوع برای دیگر ساکنان مناطق اشغالی هم صادق است و براساس نظرسنجی‌های انجام شده حدود شصت درصد از صهیونیست‌ها ضمن تماس با سفارت‌های خارجی برای گرفتن تابعیت دوم اقدام کرده‌اند که نشانه‌ای از تمایل این افراد برای فرار از اسراییل است. بیشتر کسانی که این رژیم را ترک می‌کنند، جوانان و قشر دانشگاهی هستند که بیشتر در کشورهای چوچون آلمان، کانادا، استرالیا و آمریکا به دنبال فرصت‌های شغلی و تحصیلی می‌گردند. به‌طور کلی، دلایل متعددی در مهاجرت معکوس یهودیان از فلسطین اشغالی مطرح است. شرایط نابسامان اقتصادی از جمله افزایش مالیات، بیکاری و فقر، فساد اجتماعی و سیاسی رژیم صهیونیستی، عوامل ایدئولوژیکی، وجود اختلاف طبقاتی و تبعیض‌های آشکار، احساس ناامنی و نگرانی‌های امنیتی ناشی از حملات راکتی گروه‌های مقاومت فلسطینی، از دلایل عمده مهاجرت معکوس از سرزمین‌های اشغالی شده است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

چهار. تاکتیک‌های اسراییل برای جذب مهاجران و جلوگیری از مهاجرت معکوس

موضوع آینده جمعیتی یهودیان در سرزمین‌های اشغالی از نظر بسیاری از موسسه‌های اسراییلی به دغدغه اصلی این رژیم تبدیل شده است و از آنجا که به علت نرخ زاد و ولد پایین، بزرگ‌ترین عامل برای رشد جمعیت صهیونیست‌ها از طریق مهاجرت تعیین شده است، مقام‌های این رژیم را به فکر انداخته تا با روش‌های مختلف موضوع کمبود مهاجر را جبران کنند.

در این میان، آژانس یهود با صرف هزینه‌های هنگفت و توسل به انواع و اقسام

روش‌ها چند میلیون یهودی را از اطراف و اکناف جهان گردهم آورده است. از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ طی عملیاتی به نام «فرش سحرآمیز» ۵۰ هزار یهودی از یمن به اسرائیل مهاجرت کردند. سال ۱۹۵۰ در عملیات «ازراء» و «نخیمیا» بیش از ۱۲۰ هزار یهودی عراقی، سال ۱۹۸۴ در عملیات «موسی» ۱۵ هزار یهودی اتیوپیایی و در سال ۱۹۹۱ میلادی در عملیات «سلیمان» ۱۴ هزار نفر دیگر «باقیمانده یهودیان اتیوپی» کشور خود را ترک و در سرزمین‌های اشغالی اسکان یافتند. آنچه ذکر شد نمونه‌ای از ده‌ها عملیات آژانس یهود برای تولید یک ملت است. آژانس یهود با چاپ کتب و مقالات متعدد در مورد تاریخ قوم یهود و اتصال آن به بنی‌اسرائیل تلاش نمود، تاریخی مشترک نیز برای این مهاجران بسازد (صرفی، ۱۳۸۵: ۱۲). علاوه بر آن، اسرائیل همواره با بهره‌برداری از اتفاقات و بحران‌های بین‌المللی یهودیان جهان را به مهاجرت و زندگی در فلسطین دعوت می‌کنند، اسرائیلی‌ها از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه نود قرن گذشته بهره‌برداری کردند و یهودیان روسیه را به مهاجرت به اسرائیل دعوت کردند، همچنین از وضعیت اقتصادی و فقر در اتیوپی و دیگر کشورهای آفریقایی به سود خود بهره‌برداری کرده‌اند (هویدی، ۲۰۱۵). از جمله مهمترین برنامه‌های اسرائیل برای جذب مهاجرین و جلوگیری از مهاجرت معکوس عبارتند از:

۱-۴. طرح‌های تشویقی اسرائیل برای بازگشت یهودیان

دولت صهیونیستی در قبال پدیده‌ی مهاجرت معکوس تدابیری اندیشیده است از جمله: تصویب ۱۰۰ میلیون شیکل، معادل ۲۴ میلیون دلار، برای تشویق صهیونیست‌ها به مهاجرت به فلسطین اشغالی از سوی وزارت جذب مهاجران و یا اجرای طرح «مسا» به‌منظور جذب سالانه ۲۰ هزار جوان یهودی جهت تحصیل در اسرائیل به مدت یک ترم با هزینه دولت اسرائیل و آژانس یهود با اختصاص سرمایه‌ای معادل ۱۰ میلیون دلار (سلطان‌شاهی، ۱۳۸۶). علاوه بر آن می‌توان به طرح بازگشت ۷۵ هزار اسرائیلی نیز اشاره کرد. این طرح برای جذب یهودیان و مقابله با مهاجرت معکوس برنامه‌ریزی شده است؛ این طرح برای یهودیانی اختصاص داده شده است که اسرائیل را ترک کرده‌اند و در حال حاضر در کشورهای دیگری زندگی می‌کنند. سه امتیاز این طرح عبارتند از: امتیاز معاف از پرداخت مالیات بر درآمد برای یک دوره ۱۸ ماهه، معافیت از پرداخت

عوارض گمرکی برای یک دوره ده ساله و پرداخت تسهیلات از جمله وام اشتغال‌زایی برای راه اندازی کارگاه‌های کوچک. از همین‌رو، این طرح و امتیازهای ناشی از آن شامل هر فرد اسرائیلی می‌شود که حداقل ۶ سال در خارج از اسرائیل سکونت داشته و تصمیم بر بازگشت و زندگی در اسرائیل داشته باشد (موسی، ۲۰۱۴).

۲-۴. تشویق کارگران خارجی به یهودی شدن و انعطاف‌پذیری بیشتر در قبال مهاجرپذیری پدیده مهاجرت معکوس و بحران جمعیتی، صهیونیست‌ها را بر آن داشت تا برای فائق آمدن بر مشکل جمعیتی خود به ارایه راه‌کارهایی موسوم به «راهکارهای ابتکاری» روی آورند که از جمله آنها می‌توان به تشویق کارگران خارجی به انتخاب دین یهود، اعطای حق شهروندی به این کارگران، ارائه تسهیلات در زمینه جذب مهاجران حتی از غیر یهودیان در صورتی که تمایلی به یهودی شدن داشته باشند، اشاره کرد. این درخواست‌ها در جریان کنفرانسی که رژیم صهیونیستی در تل‌آویو برگزار کرده بود مطرح شد؛ البته تا چند سال پیش این درخواست‌ها یک خیانت به ایده و افکار رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد؛ اما بحران جمعیتی باعث شده است که مقامات رژیم صهیونیستی به این فکر بیافتند (النعامی، ۲۰۰۶). این در حالی است که طبق اعتقادات یهودیان تنها کسی که از یک مادر یهودی متولد می‌شود، یهودی است.

۳-۴. بهره‌برداری از حوادث تروریستی «شارلی ابدو»

فرانسه در زمینه مهاجرت یهودیان به اسرائیل رتبه اول را دارا می‌باشد. بنابر برخی از گزارش‌ها این عدد در سال ۲۰۱۴ از ۷ هزار نفر فراتر رفته است؛ این در حالی است که در سال ۲۰۱۳ تنها ۳۵۰۰ یهودی فرانسوی به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کردند. اسرائیل قصد دارد طی سال ۲۰۱۵ این تعداد را به ۱۰ هزار مهاجر یهودی برساند. موضوع مهاجرت به اسرائیل مهمترین مسئله‌ای است که پس از حادثه تروریستی «شارلی ابدو» ذهن اسرائیلی‌ها را به خود مشغول کرده است. به‌ویژه اینکه به‌دنبال این حادثه تیمی اسرائیلی تشکیل شد تا اقدامات تشویق یهودیان فرانسه برای مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی را مدیریت کند. در پی حادثه تروریستی حمله به دفتر هفته‌نامه شارلی ابدو در فرانسه مقامات اسرائیل تلاش کردند تا با استفاده از بحران به‌وجود آمده در غرب اروپا حداکثر بهره‌برداری در جهت جلوگیری از مهاجرت معکوس از اسرائیل

انجام دهند. در همین راستا، بنیامین نتانیاهو جامعه کلیمیان فرانسه را مورد خطاب قرار داد و گفت: «می‌خواهم به یهودیان فرانسه بگویم که اسرائیل خانه شماست.» (نتانیاهو، ۱۳۹۳).

رژیم صهیونیستی، برای ترغیب یهودیان به مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی، دفاتری در سراسر دنیا در اختیار دارد که تحت نظر «آژانس یهود» فعالیت می‌کنند؛ نقل قول‌های متفاوتی از نحوه عملکرد این آژانس در ترغیب و گاه اجبار یهودیان برای سفر به فلسطین اشغالی در رسانه‌ها قابل دسترس است. برناد اسنودن، کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا (CIA) در مصاحبه‌ای بیان کرده است که: «اسرائیل از مهاجرت معکوس یهودیان در خلال سال‌های گذشته ناخرسند بوده است و همین نگرانی، مسئولان وزارتخانه مهاجرت اسرائیل را بر آن داشت تا از دستگاه اطلاعاتی این رژیم، بخواهند برای توقف مهاجرت معکوس کمک کند.» اسنودن افزود: «موسسه اطلاعات و ماموریت‌های ویژه اسرائیل در پاسخ به این درخواست، عملیاتی را از طریق انتشار تصاویر موهن به ساحت پیامبر اسلام (ص) در کشورهای غربی آغاز کرد تا فضایی ستیزه جویانه ضد یهودیان ساکن اروپا به راه اندازد و آنان را وادار به زندگی در اسرائیل کند.» (مرادی، ۱۳۹۳). این در شرایطی است که وقوع حادثه شارلی ابدو در فرانسه زمینه مساعدی بود تا سران رژیم صهیونیستی بار دیگر از ناامنی کشورهای اروپایی بهره برداری سیاسی کنند و از یهودیان ساکن این کشور بخواهند تا به اسرائیل مهاجرت کنند.

۴-۴. بهره‌برداری از حوادث تروریستی «کپنهاگ»

بخش قابل توجهی از جمعیت دانمارک را یهودیان تشکیل می‌دهند. از همین رو مقامات رژیم صهیونیستی همواره تلاش کرده‌اند تا به هر طریقی این افراد را به اسرائیل بکشانند. در همین راستا، به دنبال انتشار اخباری مبنی بر تیراندازی به کنیسه‌ای در «کپنهاگ» دانمارک، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در اقدامی فرصت طلبانه از یهودیان این کشور خواست که به اسرائیل مهاجرت کنند. نتانیاهو اعلام کرد که کابینه‌اش طرح ۴۶ میلیون دلاری با هدف تشویق یهودیان اروپا جهت مهاجرت به اسرائیل را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتانیاهو با اشاره به تیراندازی دانمارک افزود:

«انتظار می‌رود موج این حملات ادامه یابد. یهودیان مستحق امنیت هستند؛ ولی ما به برادران و خواهران یهودی خود می‌گوییم که اسرائیل خانه شماست.» (نجات، ۲۰۱۵).

۴-۵. بهره‌برداری از بحران اوکراین

بعد از فرانسه اوکراین در مقام دوم قرار دارد که بیشترین مهاجر یهودی را به اسرائیل داشته است. در سال ۲۰۱۴ میلادی، این تعداد در مقایسه با سال ۲۰۱۳، رشد بی‌سابقه‌ای را نشان می‌دهد. در حقیقت، بعد از بحران این کشور و تشدید نزاع بین روسیه و اوکراین آژانس یهود موفق شد هزاران یهودی این کشور را تشویق به مهاجرت به اسرائیل کند (الجزیره، نت، ۲۰۱۵). خاخام بزرگ اوکراین نیز از یهودیان این کشور خواسته است به دلیل ناامنی، بی‌ثباتی و خصومت با آنها، به اسرائیل مهاجرت کنند (طعمه، ۲۰۱۴).

تعداد یهودیان مهاجرت کرده از اوکراین به سرزمین‌های اشغالی در سال ۲۰۱۴، حدود ۶ هزار نفر است، این رقم به نسبت سال‌های گذشته سه برابر شده است، این امر نشان می‌دهد که بحران اوکراین تاثیر عمده‌ای بر مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی داشته است. رژیم صهیونیستی با سوء استفاده از بحران اوکراین، زمینه مهاجرت یهودیان ساکن این کشور را به مناطق اشغال شده فراهم کرده است.

نتیجه‌گیری

مسئله مهاجرت و مهاجرت معکوس، یکی از مهمترین آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات جامعه اسرائیل است. دولت صهیونیستی که یکی از پایه‌های حاکمیت آن یعنی جمعیت، بر اساس یهودیان مهاجر پایه‌گذاری شده است، با توجه به محدودیت جمعیت یهودیان جهان به شدت در برابر مهاجرت معکوس یهودیان آسیب‌پذیر است. از همین‌رو، امروزه یکی از دغدغه‌های اساسی دولت اسرائیل، مسئله مهاجرت معکوس است. مهاجرت معکوس، پدیده‌ای است که می‌تواند خطر حیاتی برای رژیم صهیونیستی در پی داشته باشد. در حقیقت، مهاجرت معکوس در اسرائیل ضربه شدیدی به مهمترین پایه‌های فلسفه اندیشه صهیونیسم وارد می‌کند.

موضوع آینده جمعیتی یهودیان در سرزمین‌های اشغالی از نظر بسیاری از موسسه‌های

اسرائیلی به دغدغه اصلی این رژیم تبدیل شده است و از آنجا که به علت نرخ زاد و ولد پایین، بزرگ‌ترین عامل برای رشد جمعیت صهیونیست‌ها از طریق مهاجرت تعیین شده است، مقام‌های این رژیم را به فکر انداخته است تا با روش‌های مختلف، موضوع کمبود مهاجر را جبران کنند. اسرائیل همواره با بهره‌برداری از اتفاقات و بحران‌های بین‌المللی، یهودیان جهان را به مهاجرت و زندگی در فلسطین دعوت می‌کند.

اسرائیل پیوسته به میزانی از ناامنی برای یهودیان در گستره جامعه جهانی نیازمند است تا از این طریق، مزیت نسبی سکونت در فلسطین اشغالی را همچنان حفظ کند. در همین راستا، مهمترین سیاست رژیم صهیونیستی در بهره‌برداری از بحران‌های داخلی کشورهای مختلف، ایجاد رعب و وحشت در میان یهودیان ساکن در این کشورهاست تا از این طریق بتواند از مهاجرت معکوس در اسرائیل جلوگیری و یهودیان سراسر جهان را وادار به مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی کند؛ زیرا این رژیم برای ادامه اجرای طرح‌های راهبردی شهرک‌سازی خود نیاز به ساکنان یهودی بیشتری دارد.

در نهایت این نکته قابل ذکر است که موضوع مهاجرت معکوس پدیده‌ای است که می‌تواند خطر حیاتی برای رژیم صهیونیستی در پی داشته باشد. در حقیقت، مهاجرت معکوس به‌طور کامل با اصل دوم فلسفه صهیونیسم، یعنی کشاندن جمعیت یهودی به سرزمین‌های اشغالی در تضاد است و می‌تواند ترکیب جمعیتی اسرائیل را در مقایسه با جمعیت فلسطینیان به‌شدت مخدوش سازد و موجودیت اسرائیل را تهدید کند. این در حالی است که رژیم صهیونیستی علاوه بر سیاست‌های تشویق مهاجرت به داخل، برنامه‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی فراوانی را برای تشویق بازگشت اسرائیلی‌های مقیم خارج به داخل این رژیم راه‌اندازی می‌کند. به‌رغم تمامی این تلاش‌ها، به‌نظر نمی‌رسد که این راهکارها و مشوق‌ها برای بازگشت یک میلیون صهیونیست مقیم خارج کافی باشد.

فهرست منابع:

۱. احمدی، حمید. (۱۳۸۸)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۳. السهلی، نبیل. (۱۳۸۵)، «یهودیان و افزایش مهاجرت معکوس»، روزنامه رسالت، شماره: ۵۹۰۰.
۴. النعامی، صالح. (۲۰۰۶)، «ماکینز مات و مظاهر تاثیرالانتفاضه علی الواقع الديو غرافی فی اسرائیل»، مرکز باحث، بیروت.
۵. الجزیره. نت. (۲۰۱۵)، «ارتفاع قیاسی بهجره الیهود لإسرائیل فی ۲۰۱۴» قسم‌الخبار، الجزیره. نت، قطر.
۶. سروش‌نژاد، احمد. (۱۳۸۶)، صهیونیسم: نوزایی، استقرار، فروپاشی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۷. سلطانشاهی، علیرضا. (۱۳۸۶)، «مهاجرت معکوس»، فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ‌پژوهی ایران معاصر، دوره سوم، سال چهارم، شماره ۱۲.
۸. صرفی، محمد. (۱۳۸۵)، «پیامدهای حملات موشکی حزب‌الله، اسرائیل بر روی گسل»، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۵۷۷.
۹. طعمه، نقولا. (۲۰۱۴)، «اللوی الصهیونی یستغل احداث اوکراینا لاستجلاب الیهود إلی فلسطین المحتله»، موقع قناه المیادین، بیروت.
۱۰. عبدالرحمن، اسعد. (۲۰۱۳)، «الجديد عن الهجرة المعاکسه من اسرائیل»، الموسسه الصحفیه الاردنیه، الرأی.
۱۱. قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۱)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. ماضی، محمد. (۱۳۸۱)، سیاست و دیانت در اسرائیل، چاپ اول، ترجمه سیدغلامرضا تهامی، تهران: انتشارات سنا.
۱۳. مرادی، وحید. (۱۳۹۳)، «علل و عوامل هاراگیری شارلی ابدو»، روزنامه رسالت، سال سی‌ام، شماره ۸۳۰۶.
۱۴. مشایخی، حشمت‌الله. (۱۳۸۹)، «تاثیر انتفاضه ملت فلسطین بر رژیم صهیونیستی»، فصلنامه علمی - پژوهشی آفاق امنیت، سال سوم، شماره هفتم، صص ۱۱۵ - ۱۵۸.
۱۵. موسی، حسین‌خلف. (۲۰۱۴)، «ظاهرة الهجرة العکسیه فی اسرائیل»، فی دراسات استراتیجیه، موقع احتلال.
۱۶. نتانیاوو، بنیامین. (۱۳۹۳)، «یهودیان پاریس به اسرائیل بیایند»، خبرگزاری فارس به نقل از روزنامه صهیونیستی هآرتص.
۱۷. نجات، سیدعلی. (۱۳۹۴)، «افزایش پدیده مهاجرت معکوس در اسرائیل؛ دلایل و پیامدها»، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره پیاپی ۲۸، بهار، صص ۱۳۳ - ۱۵۴.
۱۸. نجات، سیدعلی. (۲۰۱۵)، «اسالیب الصهاینه فی جلب الیهود الی فلسطین و منع الهجرة المعاکسه»، مرکز الابحاث العلمیه والدراسات الاستراتیجیه للشرق الاوسط.
۱۹. هویدی، علی. (۲۰۱۵)، «حادثه شارلی ابدو ودعوات الهجرة إلی فلسطین المحتله»، موقع الخلیج اونلاین.